



زهرا طیبی
ژبنکار گروه سیاست

ویتکاف به تنظیمات کارخانه برگشت. ساعتی بعد از مصاحبه معاون ترامپ با فاکس نیوز و اشاره تلویحی درمورد به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی هسته‌ای ایران، ویتکاف، در چرخشی صد و هشتاد درجه‌ای در پیامی در ایکس نوشت: «ایران باید برنامه غنی‌سازی و تسلیحاتی هسته‌ای خود را متوقف کند.» اگرچه این جنس اظهارات متناقض در کابینه ترامپ، اتفاق تازه‌ای نیست و خود رئیس‌جمهور، سردمدار این تناقض‌گویی‌هاست، اما ویتکاف در چند اظهار نظری که در مورد ایران و برنامه هسته‌ای ایران مطرح کرده، مواضع نرم‌تری نسبت به دیگر اعضای کابینه گرفته و در نقش پلیس خوب ظاهر شده است. حالا اما دست گذاشتن روی خط قرمز مذاکراتی ایران، یعنی فعالیت هسته‌ای این شائبه را تقویت می‌کند که این تغییر موضع، بازی رسانه‌ای تیم مذاکره‌کننده برای امتیازگیری از ایران‌پای میز مذاکره است. اگرچه این گزاره هم دور از ذهن نیست که کارکرد این ادعاها بیشتر مصرف رسانه‌ای دارد و مواضع آمریکایی‌ها پای میز مذاکره متفاوت است. از آنجاکه اظهارات کابینه ترامپ درمورد فعالیت هسته‌ای ایران تناقضات زیادی دارد، نمی‌توان پیش‌بینی دقیقی ارائه داد که آمریکایی‌ها در مذاکره با ایران دنبال چه چیزی هستند. به‌نظر می‌رسد نباید بدون ابتکار دیپلماتیک و اکتفا به این گزاره که آمریکایی‌ها برای یک توافق عجله دارند، به مذاکره با آمریکایی‌ها رفت.

فشارهای جنگ‌طلبان کابینه جواب داد؟

ویتکاف در مطرح کردن اظهارات و ادعا‌های احساسی در مورد ایران، بدون سابقه نیست. پاسخی که به توییت وزیر خارجه ایران داد، حجم عظیمی از واکنش‌ها و تحلیل‌ها در مورد ایران را به همراه داشت و ساعتی بعد هم پیام توییت‌ری‌اش را پاک کرد. حالا اما ویتکاف بعد از آنکه دور اول مذاکره با ایران را مثبت ارزیابی کرد و در مصاحبه با فاکس نیوز، صراحتاً از حق غنی‌سازی ایران با کف غنی‌سازی ۳ درصد گفت، در پیامی توییت‌ری نوشت: «توافق با ایران تنها در صورتی نهایی خواهد شد که یک توافق ترامپی باشد.» ویتکاف، ملزومات یک توافق ترامپی را هم، «چهارچوبی برای صلح، ثبات و رفاه در خاورمیانه تعریف کرد، به این معنی که ایران باید برنامه غنی‌سازی و تسلیحاتی هسته‌ای خود را متوقف و از بین ببرد.» چرخش مواضع استیو ویتکاف در مورد ایران، قابل پیش‌بینی بود، به این دلیل که در فضای سیاسی آمریکا، اجماع نظری در مورد نوع مواجهه مطلوب با ایران وجود ندارد، فشارهایی همه‌جانبه در مورد پرونده هسته‌ای ایران وجود دارد، بخش زیادی از این شکاف‌ها و فشارها هم، در کابینه ترامپ بروز می‌کند. آن‌طور که رسانه‌ها اعلام کردند، در تیم امنیت ملی آمریکا، دو نگاه متفاوت در مورد ایران وجود دارد. یک سمت این شکاف استیو ویتکاف و جی‌ونس هستند که به استفاده از راهکاری دیپلماتیک در مورد ایران تأکید دارند، در سمت دیگر هم چهره‌های رادیکال کابینه مثل مایک والتز و مارکو روبیو، قرار دارند که اعتقاد چندانی به کارآمد بودن توافق هسته‌ای در مورد ایران ندارند. آن‌طور که اکسیوس نوشته این اختلاف‌نظر‌ها در نشست فوق‌العاده‌ای که روز سه‌شنبه با موضوع ایران برگزار شد، بروز کرد و رادیکال‌های کابینه، چهره‌هایی مثل مارکو روبیو، مایک



کبری آسوار
دبیرگروه سیاست

شاید در نگاه اول عجیب باشد که در مورد اصلاح‌طلبان و در واقع تندرترین آن‌ها، کسانی که هر مذاکره‌ای با غرب را تقدیس می‌کنند و حتی هر توافقی که برای‌شان باشکوه است، ادعا کنیم که خلاف رسیدن به توافق و مذاکره عمل کرده‌اند، اما نتایج ناگزیر عملکردها گاه هماهنگ با آن هدفی نیست که از ابتدا در نظر افراد بوده است. یعنی اصلاح‌طلبان گرچه همواره تلاش کرده‌اند رویکردی کاملاً موافق با مذاکره و توافق با غرب داشته باشند، اما در عمل برخی اصلاح‌طلبان تدریوی‌ها و اقداماتی داشته‌اند که نتیجه ناگزیر آن، ارسال پیام ضعف از ایران به جهان و در نتیجه دوری غربی‌ها از میز مذاکره و توافق با ایران بوده است. اقداماتی از اصلاح‌طلبان را که نتیجه آن علیه مذاکره و توافق بوده، می‌توان در سه بخش مورد توجه قرار داد:

اول، اردوکنشی‌ها و آشوب‌های خیابانی. به‌طور مشخص پس از وقایع فتنه

مواضع سینوسی ویتکاف پیش از مذاکره نشان از اختلاف داخلی کابینهٔ ترامپ است یا خبر از یک تقسیم کار برای امتیازگیری حداکثری می‌دهد؟

«نا» دیپلمات‌ها

والتز، لیندسی گراهام و تام کاتن، همچنان گزینه نظامی در مورد ایران را بهترین گزینه برای مهار ایران می‌دانند و در سمت دیگر چهره‌هایی مثل ویتکاف، ونس، هگست و تاکر کالرسون، معتقدند جنگ جدید در منطقه می‌تواند قیمت نفت را صعودی کند و این برای دولت آمریکا هزینه‌ساز است. در کنار این اختلاف نظر‌ها و فشارهایی که جنگ‌طلبان تیم امنیت ملی وارد می‌کنند، کنگره آمریکا هم مخالفت‌هایی با شروع مذاکره ایران و آمریکا دارد. علاوه براین به‌نظر می‌رسد جناح رقیب ترامپ در انتخابات هم به دنبال سنگ‌اندازی‌هایی –به این منظور که ترامپ از توافق با ایران برای خود دستاوردسازی نکند– هم باشد. در آخرین نمونه جان کری، وزیر خارجه دولت اوباما در یادداشتی در وال استریت ژورنال از باید و نباید‌هایی برای مهار برنامه هسته‌ای گفت و تأکید کرد که تیم مذاکره‌کننده باید دنبال توافقی فراتر از برجام باشد. اظهاراتی از این جنس این گزاره را تقویت می‌کرد که دموکرات‌ها پیش از آنکه به دنبال رسیدن تیم ترامپ به یک چهارچوب توافق مشخص باشند، چون در به نتیجه رسیدن این توافق احتمالی سهیم نیستند به دنبال مانع‌تراشی و سنگ‌اندازی خواهند بود.

پای لابی‌های صهیونیستی هم وسط است؟

صهیونیست‌ها ید طولایی در کارشکنی توافقات میان ایران و آمریکا دارند. آن‌طور که مقامات ایرانی می‌گویند در سال‌های گذشته و در جریان مذاکرات، لابی‌های اسرائیلی، بارها تلاش کردند تا توافق میان ایران و آمریکا را خراب کنند. حالا با توجه به وضعیتی که رژیم‌صهیونیستی در آن قرار دارد و تلاشی که برای سوق دادن آمریکا به حمله نظامی آمریکا به ایران داشتند، افزایش فشار برای آنکه حداقل لیبی‌سازی ایران در دستور آمریکایی‌ها قرار گیرد، چندان دور از ذهن نیست. علاوه براین، کشورهای اروپایی هم اختلافاتی با آمریکایی‌ها در مورد مذاکرات دارند. از یک سمت، مذاکره مستقیم عملاً نقش آن‌ها را در پرونده ایران حذف کرده است. این گزاره افزایش فشارهای کشورهای اروپایی در روند مذاکرات را به همراه دارد. از طرف دیگر به‌نظر می‌رسد اروپایی‌ها، در مورد روند و جریان مذاکراتی با آمریکایی‌ها، تفاوت دیدگاه‌هایی دارند. طبیعی است که آمریکایی‌ها دنبال توافقی جدید با ایران جدای از چهارچوب برجام هستند، اما اروپایی‌ها معتقدند چهارچوب توافق برجام کافی است و می‌توان با کمی اصلاح، دوباره برجام را فعال کرد. مجموع این موارد، فشارها و اختلاف‌نظر‌ها نشان می‌دهد، مؤلفه‌های زیادی در تغییر احتمالی مسیر مذاکرات یا شکست احتمالی آن وجود دارد. با در نظر گرفتن این موارد، نمی‌توان این فشارها را در تغییر موضع ناگهانی ویتکاف در مورد ایران، بی‌تأثیر دانست. مهم‌تر از همه نیز اختلافاتی است که در کابینه ترامپ وجود دارد. به‌نظر می‌رسد این شکاف‌ها و دودستگی‌ها که پیش از این نیز در مورد ایران خود را نشان داده بود، حالا در این چرخش مواضع ویتکاف در مورد ایران نیز بار دیگر خودنمایی کرده است.

ویتکاف می‌خواست معامله را جوش دهد؟

ویتکاف خلق و خوی یک سیاستمدار زیرک را ندارد. او مثل ترامپ یک بنگاهدار است که بیشتر به دنبال جوش دادن یک معامله است. از این نظر بروخی

اصلاح‌طلبان رادیکال علیه توافق!

۸۸، آمریکا که پیش از آن مشغول نامه‌نگاری به رهبر انقلاب بود، از این اقدام عقب کشید و پس از آن هم تحریم‌های علیه ایران را افزایش داد. چه آنکه تصور می‌کرد ایران ضعیف شده و حالا می‌تواند شلیک نهایی را انجام دهد! سال ۸۸ نامه‌هایی از سوی باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا برای حضرت‌البت‌الته خاмене‌ای، رهبر معظم انقلاب نوشته شد، نامه اولیه به تعبیر خود رهبری «نامه فدایت شوم» بود. رهبر انقلاب به او جواب داد و او هم نامه دوم را نوشت و از سوی ایران قرار بود پاسخ‌نامه دوم او هم داده‌شود. اما فتنه ۸۸ رخ داد و آمریکا با فراموشی آنچه نوشته بود، از ذوق قدرت گرفتن براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران، بی‌خیال نامه‌نگاری شد و به جریان فتنه علیه جمهوری اسلامی پیوست و آمریکا همچون همه ادوار خود که دنبال نامه‌نگاری با رهبر ایران نبود، سراغ حمایت از براندازی رفت.

پس از وقایع و آشوب‌های پاییز ۱۴۰۱، موسوم به زن، زندگی، آزادی، آمریکایی‌ها میز مذاکره را ترک کردند، زیرا تصورشان بر این شد که با کمک اپوزیسیون ایرانی و جماعت برانداز می‌توانند تغییر نظام را در

از ویژگی‌های اخلاقی او شباهت زیادی به دونالد ترامپ دارد. این نکاتی است که منتقدان در تعریفی که از معاون ترامپ در امور خاورمیانه مطرح می‌سازند، ارائه می‌کنند. ویتکاف حتی در روزهایی که ترامپ، صراحتاً تهدید نظامی و هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای ایران را روی میز گذاشت، تأکید داشت که برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است و می‌توان با ایران گفت‌وگو کرد. به همین منظور با فرض پذیرش ادعای منتقدان ویتکاف که او را فرد ساده‌لوحی می‌دانند، می‌توان این گزاره را مطرح کرد که آنچه ویتکاف در مذاکره با فاکس نیوز مطرح کرده، اظهاراتی هماهنگ نشده با کاخ سفید بوده، روحیه معامله‌گرش به روحیه ضعیف‌سیاستمدارش غلبه کرده و برای به نتیجه رسیدن هرچه زودتر توافق، از پذیرش کف



غنی‌سازی ایران صحبت کرده است و به همین منظور نیز بعد از تذکرات کاخ سفید و برای اثبات آنکه چندان هم به دنبال امتیازدهی به ایران نبوده از برچیدن برنامه هسته‌ای ایران گفته است.

مواضع زیگزاگی ویتکاف

بخشی از یک برنامهٔ طراحی‌شده است

ویتکاف در بخشی از مصاحبه‌اش با فاکس نیوز به این موضوع اشاره کرد که مواضع و اظهاراتی که مطرح می‌کند، در هماهنگی کامل با ترامپ مطرح شده است. به فرض صحت این ادعا، به‌نظر نمی‌رسد آنچه ویتکاف در اظهاراتش در فاکس نیوز مطرح کرد، صرفاً نظر شخصی‌اش باشد. این گزاره نیز چندان دور از ذهن نیست که مجموع ادعاها و اظهارات زیگزاگی و سینوسی که ویتکاف مطرح می‌کند، پلنی از پیش تعیین‌شده برای پیروزی در میز مذاکره باشد. به این معنی که تیم مذاکره‌کننده آمریکا، عمدهً به بیان اظهارات متناقض در مورد فعالیت هسته‌ای ایران می‌پردازد و نهایتاً همان هدفی را دنبال می‌کند که در اظهارات رسانه‌ای به آن تأکید دارند؛ یعنی تعطیلی برنامه هسته‌ای ایران. نکته مهم آن است که آمریکا می‌خواهد، این امتیازات را مرحله به مرحله از ایران بگیرد. با فرض پذیرش این گزاره، ضرورت هوشمندی و داشتن ایده و چهارچوب مشخص برای مذاکره با آمریکایی‌ها بیش از گذشته احساس می‌شود. این گزاره چندان دور از ذهن نیست که آمریکایی‌ها، سیاست چماق و هویج را این بار به سبک خاص سیاست‌ورزی ترامپ دنبال می‌کنند و به دنبال آن هستند با مجموعه‌ای از چراج سبزها برای مذاکره و تهدید به حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران، تنها امتیاز بیشتری بگیرند. مواضع متناقض ویتکاف آن هم در آستانه شروع دور دوم مذاکرات، نشان می‌دهد آن‌ها در دور دوم مذاکرات که رزمینای آخرین اخبار و تازمان‌نگارش این متن بعد از تکذیب برگزاری مذاکرات در رم، در مسقط برگزار می‌شود، برنامه‌ریزی مشخصی دارند.

اظهارات ویتکاف

فقط برای فضای

سیاسی آمریکایی‌هاست؟

در این میان البته گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد که آنچه در مصاحبه‌ها و اظهارات اخیر ویتکاف مطرح شده است، اعتبار چندانی برای آنچه در میز مذاکره مطرح می‌شود، ندارد و تنها کارکرد رسانه‌ای داشته است، آن هم تنها برای فضایی سیاسی داخل آمریکا؛ یکی از علل مطرح کردن آن هم پاسخ به رقبای سیاسی ترامپ بود که به خاطر عدم توانایی در مدیریت بحران‌ها در آمریکا، تحت فشار قرار گرفته بودند و به دنبال القای این گزاره بود که در این یک پرونده روند به خوبی در حال پیشروی است و خبری از حمله نظامی به ایران نیست، اما به‌نظر می‌رسد فشار لابی‌های صهیونیستی و نیروهای جنگ‌طلب، ویتکاف را مجبور به تغییر مواضع خود کرد. به طور کلی آنچه مطرح کرد، در میز مذاکره با ایران، محل اعتنا نخواهد بود.

کشورش را نیازمند آن ترسیم نخواهد کرد. ایران البته ضعیف نیست، بلکه منظور نتیجه است. سوسم، دامن زدن به اختلاف نظرات داخلی پیرامون مذاکره نیز بخشی از کاری است که اصلاح‌طلبان رادیکال در هنگامه مذاکرات و حتی در زمانی که دولت را در دست دارند، انجام می‌دهند. آن‌ها در همه سال‌های گذشته، منتقدان داخلی برجام را در برهم خوردن برجام، مقصرتر قلمداد کردند تا دولت آمریکا را و تیغ تیز قلم‌ها و سخنرانی‌هایشان علیه داخلی‌ها بلندتر بود تا غربی‌ها. داخلی‌ها را حتی با اسرائیل و تائیان‌هو همسو دانستند، اما به همان نسبت، اروپا و آمریکا را زیر سؤال نبردند و تخطئه نکردند، پیام بیرونی چنین رویکردی آن است که دولت مستقر در ایران، غرب را ارجح از بخشی از مردم خود می‌داند و طبیعی است در چنین شرایطی غرب باز هم قیمت توافقی را بالا ببرد. اینگونه است که تندر‌و‌های اصلاح‌طلب به خیال خود موافق توافق هستند، اما در عمل باعث بالا رفتن هزینه توافقی و در نتیجه دوری از آن می‌شوند یا آنکه غرب را به این نتیجه می‌رسانند که توافق لازم نیست.

ایران به سرانجام برسانند و حکومت دلخواه خود را در ایران بر سر کار بیاورند و در آن صورت هم دیگر بحث مذاکره با جمهوری اسلامی ایران، سالبه به انقضاء موضوع خواهد بود. دوم؛ ذوق‌زدگی از مذاکره و گره زدن همه امور به مذاکرات و ترسیم نتایج فانتزی و تخیلی برای توافق احتمالی، برخلاف تصور اصلاح‌طلبان که تمایل به غرب باعث تمایل متقابل غرب به ما هم خواهد شد، سیاست و مذاکره و توافق، دنیای دیگری دارد و فضای نزد عشق باختن نیست. همچون هر معامله دیگری، وقتی طرف مقابل رضایت که هیچ، ذوق‌زدگی و خیال‌بافی‌ما از مذاکره را ببیند، قیمت را بالا خواهد برد و در قبال هر امتیازی، هزینه بیشتری طلب خواهد کرد. چون می‌داند که در مقابلش کسانی هستند که هر قیمتی را برای رسیدن به هر نتیجه‌ای پرداخت خواهند کرد. لذا خیلی خود را متمایل به ایران نشان نخواهند داد و در واقع نیازی به آن نمی‌بینند. از سویی همین ذوق‌زدگی هم پیامی از ضعف مخابره می‌کند، زیرا تا کشوری خود را ضعیف نداند، اینگونه برای یک توافق نیم‌بند و غیرقابل اعتماد ذوق‌زده نخواهد بود و همه امور



لوايح FATF، شاید وقتی دیگر

است. اظهارنظری که گمانه‌زنی‌ها را تقویت کرد که احتمالاً تصمیم‌گیری نهایی در مورد این دو لایحه به تعیین تکلیف روند مذاکرات ایران و آمریکا، موکول خواهد شد. البته به‌نظر می‌رسد، نامه نمایندگان مجلس به رئیس مجمع نیز در این عقب‌افتادگی بی‌تأثیر نیست. روز دوشنبه، ۱۵۰ نفر از نمایندگان مجلس در نامه‌ای از رئیس مجمع خواستند تا مشخص شدن سرنوشت فعال‌سازی مکانیسم ماشه، تصمیم‌گیری در مورد این لوايح به تأخیر بیفتد. بازگشت دوباره پرونده پیوستن ایران به این دو کنوانسیون تا الان واکنش‌ها و منتقدان زیادی داشته است. از بهمن‌ماه سال گذشته که این دو کنوانسیون در دستورکار مجمع قرار گرفته، قرار بوده تا تصمیم‌گیری نهایی توسط مجمع انجام شود، اما به دلایل مختلف یا طولانی شدن روند بررسی‌ها، بررسی نهایی در این مورد به تعویق افتاده است. حالا با در دستورکار قرار گرفتن مذاکرات ایران و آمریکا نیز این فرایند کمی کندتر دنبال می‌شود.

به‌نظر می‌رسد، مجمع بعد از مشخص شدن سرنوشت مذاکرات ایران و آمریکا در مورد لوايح پالرمو و سی‌اف‌تی، تصمیم خواهد گرفت. صبح روز گذشته، پنجمین جلسه مجمع برای بررسی پیوستن ایران به کنوانسیون پالرمو و سی‌اف‌تی، برگزار شد. در جریان این جلسه که با حضور اعضای کمیسیون‌های اقتصادی، حقوقی، سیاسی، امنیتی و نماینده وزیر اقتصاد، رئیس کل بانک مرکزی و نمایندگان وزارت خارجه برگزار شد و به حق شرط‌های ایران، در مورد این کنوانسیون و ایرادهای شورای نگهبان به این دو لایحه پرداخته شد. آن‌طور که سخنگوی مجمع گفته بررسی این دو کنوانسیون در جلسه مشترک مجمع تمام شده است. قرار بر این بود که بعد از ظهر روز شنبه، بررسی دو کنوانسیون شروع شده و بر مبنای آیین‌نامه، مجمع وارد بررسی بند به بند دو کنوانسیون شود. محسن دهنوی، سخنگوی مجمع عصر روز گذشته نیز در پیامی در ایکس نوشت که ادامه بررسی‌ها در مورد لوايح پالرمو و سی‌اف‌تی به جلسه بعدی مجمع موکول شده